

نقش میانجی همدلی در رابطه بین کارکردهای خانواده و قلدری در دانش‌آموزان The mediating role of empathy in the relationship between family functioning and bullying in students

Abbas Asghari Sharabiani
Professional Psychology
Sajjad Basharpour
University of Mohaghegh Ardabili

عباس اصغری شریبانی*
روانشناسی تخصصی
سجاد بشرپور
دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده: قلدری به‌عنوان برجسته‌ترین نوع خشونت در مدارس به یک حالت عدم تعادل قدرت بین دو نفر تعریف می‌شود که در آن فرد قوی‌تر به کرات و به اشکال مختلف فیزیکی، کلامی یا روانشناختی باعث آزار و اذیت و صدمه در فرد ضعیف‌تر می‌شود. هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی همدلی در رابطه بین کارکردهای خانواده و رفتارهای مرتبط با قلدری بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول شهرستان بستان‌آباد در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود. ۲۴۵ دانش‌آموز در این پژوهش شرکت کردند. شرکت‌کنندگان ابزار سنجش عملکرد خانواده (FAD)، پرسشنامه قلدری/ قربانی (B/VQ) و مقیاس همدلی هیجانی متعادل (BEES) را تکمیل کردند. نتایج پژوهش نشان داد کارکرد ضعیف خانواده با همدلی رابطه منفی و معنادار و با رفتارهای مرتبط با قلدری رابطه مثبت و معنادار دارد. نتایج همچنین مشخص ساخت همدلی با رفتارهای مرتبط با قلدری رابطه منفی معناداری دارد. ضرایب تأثیر نشان داد کارکرد ضعیف خانواده به‌صورت منفی و معنادار بر همدلی و به‌صورت مثبت و معنادار بر رفتارهای مرتبط با قلدری تأثیر دارد. ضریب تأثیر مسیر همدلی به رفتارهای مرتبط با قلدری نیز معنادار بود. همچنین کارکرد ضعیف خانواده به‌صورت غیرمستقیم و از طریق میانجی‌گری همدلی بر رفتارهای مرتبط با قلدری تأثیر مثبت و معنادار داشت. بنابر نتایج پژوهش کارکردهای خانواده به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم از طریق همدلی بر رفتارهای مرتبط با قلدری تأثیر دارد. یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش حاضر می‌تواند در جهت پیشگیری از رفتارهای مرتبط با قلدری مورد استفاده روانشناسان و متخصصان امر قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: کارکرد خانواده، همدلی، قلدری در دانش‌آموزان

Abstract: Bullying, as the most prominent type of violence in schools, is defined as a state of power imbalance between two individuals in which the stronger person hurts the weaker person through repeatedly physical, verbal or psychological causes. The present study aimed at identifying the role of family functioning in bullying behaviors by affective empathy. Statistical population of the study included all the first grade male high school students of Bostan Abad city in the academic year of 2018/2019. 245 student participants completed the Family Functioning Device (FAD), the Bullying/Victim Questionnaire (B/VQ) and the Balanced Emotional Empathy Scale (BEES). The results indicated that poor family functioning was correlated negatively with empathy and positively with bullying behaviors. The results also showed a negative correlation between empathy and bullying behaviors. Path coefficients indicated that weak family functioning had a negative effect on empathy. It also had a meaningfully positive effect on bullying behaviors. Moreover, the effect of empathy path coefficient on bullying behavior was meaningful. In other words, poor family functioning could directly affect bullying behaviors through the mediation of empathy. According to the results, family functioning affects bullying behaviors through empathy both directly and indirectly. The findings of the present study can be used by psychologists and professionals to prevent bullying-related behaviors.

Keywords: family functioning, empathy, bullying, students

قربانی بودن با احساس غیر شنونده بودن خانواده مربوط است. همچنین در پژوهشی دیگر نتایج نشان داد استفاده از سبک فرزندپروری غیردموکراتیک^{۱۱} که در آن از تنبیه به عنوان عاملی برای ایجاد نظم استفاده می‌شود خطر درگیری نوجوان در رفتارهای مرتبط با قلدری افزایش می‌یابد (گومز-اورتیز، رومیرا و ارتگا-رویز، ۲۰۱۶). در تحقیقی نیز نتایج نشان داد، نگرش مثبت والدین به پرخاشگری، سبک فرزندپروری مستبدانه^{۱۲}، تأکید صرف به آموزش و عملکرد تحصیلی با رفتارهای قلدری دانش‌آموزان کلاس‌های هفتم تا نهم همبستگی مثبت دارد (لی، ۲۰۱۰). سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه^{۱۳} نیز، با بزهداری و پرخاشگری که ناشی از کمبود نظارت والدین و بی‌تفاوتی والدین در این سبک است ارتباط دارد (رینالدی و هاو، ۲۰۱۱). نتایج پژوهش چارالامپوس و همکاران (۲۰۱۸) هم تأثیر سبک والدین^{۱۴} بر اشکال مختلف قلدری، به واسطه‌ی روابط دلبستگی^{۱۵} را نشان دادند.

از جمله متغیرهایی که می‌تواند تحت تأثیر کارکرد خانواده قرار گرفته و به تبع آن در رفتارهای مرتبط با قلدری دخیل باشد همدلی^{۱۶} است. همدلی به عنوان توانایی برای پذیرش دیدگاه شخصی دیگر و تجربه‌ی افکار و احساسات آن فرد است (مک دونالد و پرایس، ۲۰۱۹). برخی محققان (برای مثال میتسوپولو و گیووازیلیاس، ۲۰۱۵) یک ارتباط منفی بین همدلی و رفتار قلدری پیدا کرده‌اند بدین صورت که با افزایش رفتارهای همدلی، رفتارهای قلدری در کودکان کاهش می‌یابد. البوت، هانگ و وانگ (۲۰۱۹) نشان دادند سطح پایین مهارت‌های همدلی و سطح بالا رفتارهای بیرونی شده پیش‌بینی‌کننده رفتارهای قلدری در دانش‌آموزان ابتدایی و دبیرستان است. نتایج پژوهش جولیف و فارینگتون (۲۰۱۱) نیز نشان داد قلدرها در مقایسه با همسالان خود که قلدری نمی‌کنند از همدلی عاطفی^{۱۷} پایین‌تری برخوردارند. همچنین در این افراد سطح وجدان^{۱۸} پایین بوده و به همین سبب مستعد انزوای اجتماعی هستند (سکول و فارینگتون، ۲۰۱۶).

کوتیوسکی و هیرد، (۲۰۱۵). نتایج پژوهشی نشان داد نگرش ارتباطی دانش‌آموزانی که اعتمادبه‌نفس^۱ بالایی داشتند و از رفتارهای مرتبط با قلدری اجتناب می‌کردند با همه زیرمقیاس‌های آزمون عملکرد خانواده^۲ (به جز مشارکت عاطفی^۳) و همه‌ی زیرمقیاس‌های حمایت اجتماعی ادراک شده^۴ ارتباط معناداری داشتند. همچنین دانش‌آموزانی که دیگران را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند دارای سطح بالایی از شخصیت قلدری^۵، اختلال در عملکرد خانوادگی^۶، سطح پایین اجتناب از قلدری^۷ و از سطح پایین حمایت خانواده و معلم برخوردار بودند. علاوه بر این، دانش‌آموزانی که اظهار نمودند قربانی شده‌اند، سطح بالایی از شخصیت قلدری، اختلال عملکرد خانوادگی (به جز کنترل رفتار^۸) و سطح پایین حمایت خانواده، معلم و هم‌تایان را داشتند (اشکیسو، ۲۰۱۴). در پژوهش گرانت و همکاران (۲۰۱۹) اثرات اصلی و تعاملی خشونت خانواده و انحراف همسالان بر میزان قلدری دانش‌آموزان بررسی شد و اثرات اصلی به‌طور معناداری ارتباط بین خشونت خانوادگی و انحراف همسالان بر اعمال قلدری را نشان داد. نتایج اثرات تعاملی نیز نشان داد نوسانات از سطح معمولی فرد در خشونت خانوادگی و انحراف همسالان با افزایش همزمان اعمال قلدری در ارتباط بود و خشونت خانوادگی ارتباط بین انحراف همسالان و اعمال تشدید می‌کرد. همچنین ارتباط بین انحراف همسالان و اعمال قلدری برای افراد با سطوح بالای خشونت خانوادگی نسبت به سطوح پایین خشونت خانوادگی قوی‌تر بود. در پژوهش دی-البویرا، دا-سیلوا، کورینو و همکاران (۲۰۱۹) نیز مشخص شد دانش‌آموزانی که در رفتارهای قلدری درگیر نمی‌شوند از تعاملات بهتر خانوادگی برخوردارند و نقش‌ها، نظارت والدینی^۹ و جنبه‌های مثبت تعاملی از عوامل محافظتی^{۱۰} به‌شمار می‌روند. نتایج پژوهش بجیریلد، دانیک و پترزولد (۲۰۱۷) نیز نشان داد کودکانی که مورد قلدری قرار می‌گیرند روابط ضعیفی با والدین و معلمان خود نسبت به غیر قربانیان دارند و

10. protective factors
11. non-democratic parenting style
12. autocratic parenting style
13. simplistic parenting style
14. parental style
15. attachment Relationships
16. empathy
17. emotional empathy
18. conscience

1. self Confidence
2. family Function Test
3. emotional participation
4. perceived Social Support
5. bullying personality
6. family dysfunction
7. avoid bullying
8. behavior control
9. parental supervision

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول (۲۱۶۷ نفر) شهرستان بستان‌آباد در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود. نمونه پژوهش ۲۴۵ دانش‌آموز بود که از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای^{۱۰} انتخاب شدند. بدین منظور از میان کلیه مدارس مقطع متوسطه اول شهرستان (۱۱ مدرسه)، تعداد ۸ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و سپس از این مدارس نیز به صورت تصادفی ۲ کلاس انتخاب شد که شامل ۲۹۰ دانش‌آموز بود. میانگین سنی شرکت‌کنندگان در پژوهش که در دامنه سنی ۱۳ الی ۱۶ سال قرار داشتند ۱۴/۴۳ با انحراف استاندارد ۱/۵۶ بود. پس از هماهنگی‌های لازم با اداره آموزش و پرورش و جلب رضایت شرکت‌کنندگان، ابزار سنجش خانواده^{۱۱}، مقیاس همدلی هیجانی متعادی^{۱۲} و پرسشنامه قلدری/ قربانی‌شدن^{۱۳} اجرا شد که پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها تعداد ۴۵ پرسشنامه به دلیل اطلاعات مخدوش کنار گذاشته شد و نمونه نهایی به ۲۴۵ دانش‌آموز تقلیل یافت. لازم به ذکر است شرکت در پژوهش کاملاً اختیاری بود و به شرکت‌کنندگان از بابت محرمانه بودن اطلاعات خود نزد پژوهشگر اطمینان داده شد. در این پژوهش به منظور بررسی رابطه مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بین و ملاک از مدل‌یابی با استفاده از تحلیل مسیر^{۱۴} استفاده شد. همچنین به منظور بررسی رابطه دو به دو بین متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون^{۱۵} استفاده شد. در این پژوهش کارکردهای خانواده به عنوان متغیر پیش‌بین، همدلی عاطفی به عنوان متغیر واسطه‌ای و رفتارهای مرتبط با قلدری به عنوان متغیر ملاک بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری^{۱۶} با استفاده از نرم افزار لیزرل^{۱۷} نسخه ۸.۸ و نرم افزار بسته آماری علوم

در پژوهشی نیز مشخص شد همدلی عاطفی و شناختی^۱ هر دو به طور منفی قلدری سنتی^۲ و اعمال قلدری سایبری^۳ را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین در این پژوهش نتایج مشخص کرد دختران و دانش‌آموزان دارای سن بالا نمرات بالایی در همدلی نسبت به پسران و دانش‌آموزان کم سن و سال تر کسب کردند (دلری و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج پژوهش هاشمی، بدری گرگری و همکاران (۱۳۹۷) نیز نشان داد فرزندپروری ادراک‌شده^۴ و اختلال شخصیت مرزی^۵ با میانجی‌گری همدلی قادرند در قالب روابط ساختاری تغییرات قلدری سایبری را به طور معناداری تبیین کنند. نتایج پژوهش اینگرام و همکاران (۲۰۱۹) در یک برنامه پیشگیری از قلدری که از طریق واقعیت مجازی صورت گرفت نیز نشان داد شرایط واقعیت مجازی از طریق میانجی همدلی باعث کاهش در قلدری سنتی (پرخاشگری فیزیکی و ارتباطی^۶)، احساس تعلق به مدرسه^۷ و تمایل به مداخله^۸ به عنوان تماشگر فعال^۹ نسبت به گروه کنترل شد هرچند تغییر معناداری در قلدری سایبری و پرخاشگری ارتباطی مشاهده نشد. با توجه به پژوهش‌های اخیر کارکرد خانواده و همدلی می‌توانند رفتارهای مرتبط با قلدری را پیش‌بینی نمایند. اما از آنجایی که چگونگی ارتباط این متغیرها در تعامل با هم دارای ابهام بوده و از سویی دیگر پژوهش‌های کمی در این حوزه صورت گرفته است، ارائه مدلی جهت تعیین عوامل تاثیرگذار در رفتارهای مرتبط با قلدری ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر به بررسی کارکردهای خانواده در بروز رفتارهای مرتبط با قلدری با میانجی‌گری همدلی پرداخت که بر اساس اهداف پژوهش مفروضه‌های یک تا چهار آزمون شدند. ۱. بین کارکرد ضعیف خانواده و رفتارهای مرتبط با قلدری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. ۲. بین کارکرد ضعیف خانواده و همدلی عاطفی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. ۳. بین همدلی عاطفی و رفتارهای مرتبط با قلدری رابطه منفی و معنادار وجود دارد. ۴. همدلی عاطفی در رابطه بین کارکرد خانواده و رفتارهای مرتبط با قلدری نقش واسطه‌ای دارد.

10. multi-stage cluster sampling

11. Family Assessment Device (FAD)
12. Balanced Emotional Empathy Scale (BEES)
13. Bullying/victim Questionnaire (B/V Q)
14. path analysis
15. pearson correlation
16. structural Equation Modeling
17. Linear Structural Relations (LISREL)

1. emotional and cognitive empathy
2. traditional bullying
3. cyber bullying
4. perceived parenting
5. borderline personality disorder
6. physical and verbal aggression
7. sense of school belonging
8. willingness to intervene
9. active bystander

پرسشنامه قلدری / قربانی شدن (B/VQ). پرسشنامه قلدری/ قربانی شدن توسط الویوس در سال ۱۹۹۴ ساخته شد و در سال ۲۰۰۳ توسط سولبرگ و الویوس مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. این پرسشنامه یک گزارش شخصی ۳۹ ماده‌ای است که بر اساس مقیاس درجه‌بندی لیکرت^{۱۱} الف: مواجهه با اشکال مختلف قلدری (فیزیکی، کلامی، غیرمستقیم، قومی و جنسی) و ب: اشکال مختلف قلدری کردن بر دیگران را در طول ۲ یا ۳ ماه آینده را اندازه‌گیری می‌کند. برخی از ماده‌های این ابزار رفتار قلدری کردن و برخی دیگر قربانی شدن را اندازه‌گیری می‌کند. ضریب پایایی این پرسشنامه در یک نمونه معرف وسیع بیش از ۵ هزار نفری در دامنه ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ به‌دست آمد و ضریب روایی همگرایی سوالات این پرسشنامه نیز با درجه‌بندی معتبر بزرگسالان در دامنه ۰/۴۰ تا ۰/۶۰ بود (الویس، ۱۹۹۴). در بررسی زندانیان، دریاپور و جبارفر (۱۳۹۲) پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ برای ماده‌های قربانی شدن ۰/۷۹ و برای ماده‌های مورد قلدری قراردادن ۰/۸۲ به‌دست آمده است.

مقیاس همدلی هیجانی متعادل (BEES). برای ارزیابی میزان همدلی افراد از مقیاس همدلی مهرایان و اپستین (۱۹۷۲) استفاده شد. این مقیاس دارای ۳۳ پرسش است که ۱۷ پرسش آن به‌صورت مثبت و ۱۶ پرسش دیگر به‌صورت معکوس طرح شده‌اند. سوالات این پرسشنامه در مقیاس لیکرت ۵ نقطه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) درجه‌بندی می‌شود. در پژوهش مهرایان و اپستین (۱۹۷۲)، در مورد ۲۰۲ مرد و زن (به‌گونه‌ی مساوی) ضریب پایایی مقیاس ۰/۸۴ گزارش شد. در پژوهش زرشقایی، نوری و عریضی (۱۳۸۹)، آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۵۶ و ضریب پایایی آن با استفاده از آزمون و باز آزمون ۰/۵۹ به‌دست آمد. همچنین ضریب همبستگی نمره‌ی کل مقیاس با زیرمقیاس‌های آن محاسبه و به‌عنوان شاخص روایی در نظر گرفته شد که ضریب روایی برای زیرمقیاس همدلی واکنشی ۰/۶۵، همدلی بیانی ۰/۵۰، همدلی مشارکتی ۰/۴۹، اثرپذیری عاطفی، ۰/۴۷، ثبات عاطفی، ۰/۳۹ و همدلی نسبت به دیگران ۰/۴۰ به‌دست آمد.

اجتماعی^۱ نسخه ۲۱ استفاده شد. جهت گردآوری داده‌های پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد:

ابزار سنجش

ابزار سنجش خانواده (FAD). نسخه اولیه ابزار سنجش عملکرد خانواده بر اساس الگوی مک مستر^۲، توسط اپستین، بالدوین و بیشاپ (۱۹۸۳) با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه شده است. این ابزار دارای چندین نسخه است که از جمله پرکاربرترین آنها نسخه‌های ۴۵، ۵۳ و ۶۰ ماده‌ای است. نسخه ۴۵ سوالاتی سنجش عملکرد خانواده از سه زیرمقیاس نقش‌ها^۳ (۲۰ سوال)، حل مشکل^۴ (۱۷ سوال)، و ابراز عواطف^۵ (۸ سوال) تشکیل شده است. برای نمره‌گذاری این ابزار به هر سوال از ۱ تا ۴ نمره به‌صورت کاملاً موافقم^۱، موافق^۲، مخالف^۳ و کاملاً مخالف^۴ داده می‌شود. همچنین برخی از ماده‌ها به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه‌ی نمره ابزار ۴۵ تا ۱۸۰ است که میزان کارآمدی خانواده را می‌سنجد و نمرات بالاتر نشان دهنده عملکرد ضعیف‌تر خانواده و نمرات پایین نشان دهنده عملکرد بهتر خانواده است. اپستین، بالدوین و بیشاپ (۱۹۸۳) ضریب آلفای کرونباخ^۶ مربوط به ابعاد ابزار سنجش عملکرد خانواده را بین ۰/۷۲ و ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در ایران نجاریان (۱۳۷۴) برای اولین بار ابزار سنجش عملکرد خانواده را ترجمه، هنجاریابی و میزان‌سازی کرد. وی در پژوهشی با عنوان بررسی ویژگی‌های روانسنجی ابزار سنجش خانواده که روی نمونه‌ای با حجم ۵۰۱ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران انجام داد، روایی کل ابزار را ۰/۹۳ به‌دست آورد. وی با استفاده از روش تحلیل عاملی^۷ توانست سه سازه یا عامل را شناسایی و نام‌گذاری کند. این سازه‌ها عبارتند از ۱- نقش‌های خانوادگی^۸ ۲- حل مسأله^۹ و ۳- همراهی عاطفی^{۱۰}. بهاری (۱۳۷۹) در پژوهش خود از فرم ۴۵ سوالاتی استفاده کرده و پایایی آن را ۰/۹۴ به‌دست آورده است. در پژوهش حاضر پایایی ابزار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به‌دست آمد.

7. factor analysis
8. family roles
9. problem solving
10. emotional companionship
11. likert scale

1. Statistical Package for the Social Sciences (SPSS)
2. mc master
3. roles
4. problem solving
5. expressing emotions
6. Cronbach's alpha

در پژوهش حاضر پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آمد.

شاخص‌های توصیفی مربوط به کارکرد خانواده، همدلی و رفتارهای مرتبط با قلدری در جدول ۱ گزارش شده است. همچنین جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از شاخص‌های کشیدگی و چولگی استفاده شد که نتایج نشان می‌دهد داده‌ها از توزیع نرمالی برخوردار هستند (دامنه طبیعی +۲ تا -۲).

یافته‌ها

جدول ۱

شاخص‌های توصیفی کارکرد خانواده، همدلی و قلدری

| متغیر | M | SD | چولگی | کشیدگی | حداقل نمره | حداکثر نمره |
|----------------|-------|-------|-------|--------|------------|-------------|
| کارکرد خانواده | ۸۹/۷۵ | ۱۹/۸۴ | -۰/۱۳ | -۱/۳۲ | ۶۱ | ۱۳۹ |
| همدلی | ۹۹/۱۲ | ۱۳/۶۶ | ۰/۵۸ | -۰/۷۳ | ۷۴ | ۱۳۲ |
| قلدری | ۹/۹۵ | ۶/۴۳ | ۰/۱۸ | -۱/۴۷ | ۳ | ۲۳ |

جهت بررسی همبستگی متغیرهای پژوهش از ماتریس همبستگی پیرسون استفاده شد. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، کارکرد ضعیف خانواده با همدلی، همبستگی منفی معنادار و با قلدری همبستگی مثبت معنادار دارد ($p < ۰/۰۱$) می‌کند.

جدول ۲

ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

| متغیر | ۱ | ۲ | ۳ |
|-------------------|---------|---------|---|
| ۱- کارکرد خانواده | ۱ | | |
| ۲- همدلی | -۰/۶۷** | ۱ | |
| ۳- قلدری | ۰/۶۹** | -۰/۷۸** | ۱ |

** $p < ۰/۰۱$

ریشه میانگین مربعات باقیمانده^۲ (RMR) کمتر از ۰/۰۵، شاخص برازش تطبیقی^۳ (CFI) بیشتر از ۰/۹ و برای شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^۴ (RMSEA) کمتر از ۰/۰۸ است، نتایج جدول ۳ حاکی از برازش مناسب شاخص‌های مدل نظری پژوهش است.

برای آزمون نقش واسطه‌ای همدلی در ارتباط بین کارکرد خانواده و رفتارهای مرتبط با قلدری از تحلیل مسیر با نرم افزار LISREL استفاده شد. جدول ۳ مقادیر مربوط به شاخص‌های برازش مدل پژوهش را نشان می‌دهد. از آنجایی که مقدار مطلوب برای شاخص نیکویی برازش^۱ (GIF) بیشتر از ۰/۹،

جدول ۳

شاخص‌های برازش مدل نظری پژوهش

| RMR | GFI | CFI | RMSEA | Df | X ² | Df/X ² |
|-------|------|------|-------|----|----------------|-------------------|
| ۰/۰۳۲ | ۰/۹۴ | ۰/۹۹ | ۰/۰۶۶ | ۴۸ | ۹۸/۹۵ | ۲/۰۶ |

قلدری را نشان می‌دهد. در مدل‌سازی معادلات ساختاری مقدار T بین ۱/۹۶ الی ۲/۵۷ حاکی از ارتباط دو متغیر در

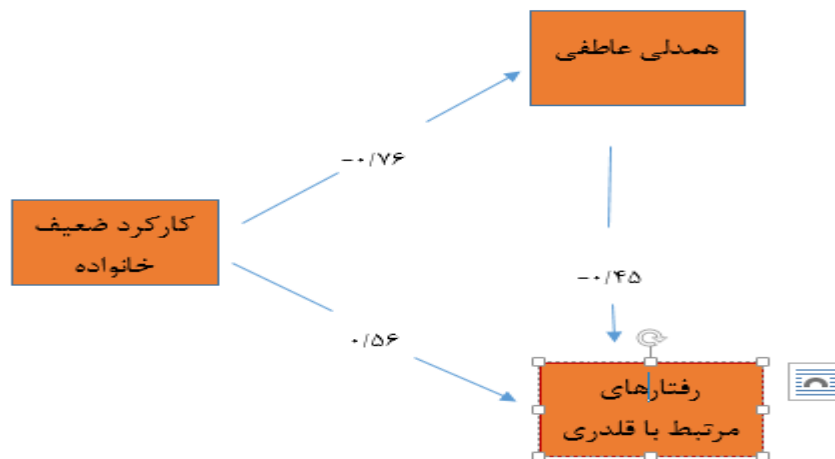
شکل ۱ مدل استخراج‌شده از پژوهش، با واسطه‌گری همدلی در رابطه بین کارکرد خانواده و رفتارهای مرتبط با

4. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

1. Goodness-of-Fit Index (GFI)
2. Root Mean Residual (RMR)
3. Comparative Fit Index (CFI)

همدلی بین دو متغیر کارکرد خانواده و رفتارهای مرتبط با قلدری بود، نتایج مدل نشان می‌دهد مقدار ضریب تاثیر کارکرد خانواده بر رفتارهای مرتبط با قلدری از طریق متغیر میانجی همدلی ۰/۳۴ است و کارکرد ضعیف خانواده به صورت غیرمستقیم و از طریق میانجی‌گری همدلی بر رفتارهای مرتبط با قلدری تاثیر مثبت و معنادار دارد (مقدار آماری آزمون سوپل برابر ۶/۲۱ و $p < ۰/۰۵$). بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تایید می‌شود.

سطح معناداری ۰/۰۵ است و چنانچه مقدار T بیشتر از ۲/۵۷ باشد نشانگر سطح معناداری ۰/۰۱ است. همان‌طور که نتایج مربوط به آزمون مدل نشان می‌دهد کارکرد ضعیف خانوادگی همدلی را به صورت منفی و معنادار ($T = -۱۱/۹۸$ و $-۰/۷۶$ و $\beta =$ و قلدری را به صورت مثبت و معنادار ($T = ۸/۶۱$) و $\beta = ۰/۵۶$) پیش‌بینی می‌کند. همچنین ضریب تاثیر مسیر همدلی به قلدری نیز $-۰/۴۵$ ($T = -۷/۲۷$) معنادار است. از آنجایی که اصلی‌ترین هدف پژوهش بررسی نقش میانجی



شکل ۱. مسیر نهایی مدل، بر حسب ضرایب استاندارد برآورد

بحث

یافته‌های پژوهش می‌توان چنین بیان نمود که کودکانی که والدینشان به شیوه اقتدار منطقی با آنها رفتار می‌کنند، احتمال بروز رفتارهای پرخطر و بزهکارانه در آنها بسیار کم است. به عبارتی خانواده و والدین می‌توانند با تربیت مناسب فرزندان و شکل‌دهی مناسب رفتار آنها، بروز رفتارهای پرخطر و قلدری را کاهش دهند (حسینی دولت‌آبادی، سعادت و قاسمی جوبنه، ۱۳۹۲).

بین کارکرد ضعیف خانواده و همدلی رابطه منفی معنادار وجود داشت. بدین صورت که با افزایش اختلال در عملکرد خانواده از میزان همدلی کاسته شده است. این یافته‌ی پژوهش همسو با پژوهش‌هایی است که حمایت والدین را به‌عنوان بهترین پیش‌بینی‌کننده منفی مشکلات عاطفی در نوجوانان و جوانان می‌دانند (هلسن، ولبرگ و میوس، ۲۰۰۳). تحقیقات نشان می‌دهد رفتارهای والدین و ارتباطات آنها با فرزندان به‌طور مستقیم با رشد همدلی در نوجوانان در ارتباط است

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی همدلی بین کارکرد خانواده و رفتارهای مرتبط با قلدری بود. نتایج پژوهش نشان داد کارکرد ضعیف خانواده رابطه مثبت و معناداری با رفتارهای مرتبط با قلدری دارد و با افزایش اختلال در کارکرد خانواده نمرات رفتارهای مرتبط با قلدری افزایش داشته است. این یافته پژوهش به‌طور مستقیم و غیرمستقیم همسو با پژوهش‌های بجیریلد و همکاران (۲۰۱۷)، چارلامپوس و همکاران (۲۰۱۸)، دی‌الیویرا و همکاران (۲۰۱۹)، اشکیسو (۲۰۱۴)، گومز-اورتیز و همکاران (۲۰۱۶)، گرانت و همکاران (۲۰۱۹) و لی (۲۰۱۰) است. در این پژوهش‌ها روابط ضعیف خانوادگی، خشونت خانوادگی و نگرش والدین به خشونت، سبک‌های رفتاری والدین و همچنین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، غیردموکراتیک و سهل‌گیرانه به‌عنوان عوامل دخیل در رفتارهای مرتبط با قلدری به اثبات رسیده‌اند. در تبیین

میانجی‌گری همدلی، قادرند در قالب روابط ساختاری، تغییرات قلدری سایبری را به‌طور معناداری تبیین کنند. به‌طور کلی می‌توان چنین مطرح کرد که کارکرد خانواده، همدلی عاطفی را تحت تأثیر قرار داده و به تبع آن نیز همدلی عاطفی رفتارهای مرتبط با قلدری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به بیان دیگر نبود وضایف مشخص، ابراز عواطف به شکل نامناسب و استفاده از راهبردهای نادرست حل مسئله در خانواده باعث ایجاد تنش و عواطف منفی در خانواده می‌شود و کودک در خلال این روابط آشفته خانوادگی توسط والدین طرد می‌شود که این عامل باعث کاهش ظرفیت در همدلی با دیگران شده و خود را در رفتارهای مرتبط با قلدری آشکار می‌سازد.

پژوهش حاضر در دو سطح نظری و عملی می‌تواند مفید باشد. به لحاظ نظری، یافته‌های پژوهش حاضر با ارائه یک مدل علی، شواهد تجربی مناسبی در تأیید نقش عملکرد خانواده و همدلی در بروز رفتارهای مرتبط با قلدری فراهم آورد. یافته‌های پژوهش حاضر دارای تلویحات کاربردی نیز است. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در وهله اول مورد استفاده خانواده‌ها، روانشناسان و مشاوران قرار گیرد. همچنین سیاست‌گذاران امر تعلیم و تربیت و در رأس آن، وزارت آموزش و پرورش می‌توانند از نتایج پژوهش بهره‌مند شوند. بر اساس نتایج پژوهش توصیه می‌شود در جهت رشد مناسب تربیتی دانش‌آموزان با رفتارهای مرتبط با قلدری، مشاوران مدارس جلسات مستمری را برای ارائه راهکارهای حل مشکلات در خانواده، تبیین وظایف اعضای خانواده و ایجاد مهارت‌های ارتباطی، برای والدین این دانش‌آموزان برگزار کنند. پژوهش حاضر نیز همانند بسیاری از پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی بود که از جمله آنها می‌توان به محدود بودن نمونه پژوهش به یک جنس، مقطع و شهرستان اشاره کرد که تعمیم نتایج را دشوار می‌کند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی در کنار کارکردهای خانواده، برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی نیز گنجانده شود و به‌جای متغیر میانجی همدلی از متغیرهای پردازش اطلاعات مانند نظریه ذهن استفاده شود.

(آماتو و آچیلری، ۱۹۸۶). چنانچه فرنز و وینبرگر^۱ (۱۹۹۰)؛ به نقل از رحیمی و یوسفی، ۱۳۸۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رفتارهای والدین با فرزندانشان در پنج سالگی، رفتارهای همدلانه در ۳۱ سالگی را پیش‌بینی می‌کند.

یافته دیگر پژوهش رابطه منفی و معنادار همدلی با رفتارهای مرتبط با قلدری بود که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم همسو با پژوهش الیوت و همکاران (۲۰۱۹)، جولیف و فارینگتون (۲۰۱۱)، دلری و همکاران (۲۰۱۶)، میتسوپولو و گیووازیاس (۲۰۱۵) و سکول و فارینگتون (۲۰۱۶) است. در تبیین این بخش از یافته‌ها می‌توان گفت که بسیاری از قلدرها، رفتارهای قلدری خود را بدون اینکه احساس بدی داشته باشند، یا تأثیر هیجانی رفتار خود بر قربانیان را تجربه کنند، انجام می‌دهند. این امر حاکی از آن است که توانایی قلدرها برای درک تجربه عاطفی دیگران معیوب است و درک نمی‌کنند که رفتارشان مشکلات و ناراحتی‌هایی را برای دیگران به‌وجود می‌آورد (گلستان جهرمی، شهنی بیلاق، بهروزی و امیدیان، ۱۳۹۶). در همین راستا مدل پردازش اطلاعات اجتماعی، قلدری را به‌عنوان پیامدی از سوگیری پردازش اطلاعات می‌داند و معتقد است افراد قلدر نشانه‌های اجتماعی را به‌صورت بدخواهانه تعبیر می‌کنند. افرادی که دیگران را مورد قلدری قرار می‌دهند اطلاعات اجتماعی را به درستی پردازش نمی‌کنند، فاقد مهارت‌هایی برای درک دیگران بوده و توانایی اندکی برای همدلی نشان می‌دهند (پاگلایز، ۲۰۱۴). بنابراین همدلی، یک توانایی مهم است که به فرد اجازه می‌دهد با دنیای اجتماعی پیرامون خود ارتباط برقرار کرده و کمک به دیگران را تسهیل کند، از آسیب واردکردن به دیگران جلوگیری و منجر به رفتارهای مثبت از جمله کمک به دوستان و همکلاسانی که قربانی قلدری و خشم شده‌اند می‌شود (گانو-اوروی، ۲۰۱۳).

در نهایت بخش پایانی نتایج نشان داد کارکرد ضعیف خانواده به‌صورت غیرمستقیم و از طریق میانجی‌گری همدلی، رفتارهای مرتبط با قلدری را پیش‌بینی می‌کند. این یافته پژوهش نیز به‌نحوی همسو با نتایج پژوهش هاشمی و همکاران (۱۳۹۷) است که نشان دادند فرزندپروری ادراک‌شده با

منابع

- زندوانیان، ا.، دریاپور، ا.، و جباری‌فر، ت. (۱۳۹۲). رابطه جو مدرسه و زورگویی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یزد. *مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۲۰، ۴۵-۶۲.
- قاسمی، ز.، مکتبی، غ.، و حاجی یخچالی، ع. (۱۳۹۶). رابطه انسجام خانواده، حمایت تحصیلی و تاب‌آوری تحصیلی با پیوند با مدرسه و مؤلفه‌های آن. *روانشناسی خانواده*، ۴، ۸۹-۱۰۲.
- گلستان جهرمی، ف.، شهنی بیلاق، م.، بهروزی، ن.، و امیدیان، م. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آموزش برنامه پیشگیری از قلدری بر سازگاری، همدلی و قلدری دانش‌آموزان. *راهنمای شناختی در یادگیری*، ۵، ۲۰۴-۱۸۳.
- نجریان، ف. (۱۳۷۴). *عوامل مؤثر در کارآیی خانواده: بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس سنجش خانواده*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- هاشمی، ت.، بدری گرگری، ر.، و اسماعیل‌پور، ف. (۱۳۹۷). نقش سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و اختلال شخصیت مرزی در قلدری سایبری: نقش میانجی همدلی. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۵، ۸۱-۹۲.
- بهاری، ف. (۱۳۷۹). *ارزیابی و مقایسه کارکرد خانواده بین زوج‌های غیرطلاق و زوج‌های در حال طلاق مرجوعی به پزشک قانونی کشور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- حسینی دولت‌آبادی، ف.، سعادت، س.، و قاسمی جوینه، ر. (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان دبیرستانی. *پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، ۴، ۸۸-۶۷.
- خان‌محمدی، ذ.، بزازیان، س.، امیری‌مجد، م.، و قمری، م. (۱۳۹۷). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس نیازهای بنیادین روانشناختی، انتظارات زناشویی و عملکرد خانواده. *روانشناسی خانواده*، ۵، ۳۰-۱۷.
- رحیمی، م.، و یوسفی، ف. (۱۳۸۹). نقش الگوهای ارتباطی خانواده در همدلی و خویش‌داری فرزندان. *مجله خانواده‌پژوهی*، ۶، ۴۴۷-۴۳۳.
- زرشقای، م.، نوری، ا.، و عریضی، ح. ر. (۱۳۸۹). کفایت شاخص‌های روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی مقیاس همدلی هیجانی متعادل. *مجله‌ی روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۱، ۵۰-۳۹.

References

- Amato, P. R., & Ochiltree, G. (1986). Family resources and child competence. *Journal of Marriage and Family*, 48, 47-56.
- Bjereld, Y., Daneback, K., & Petzold, M. (2017). Do bullied children have poor relationships with their parents and teachers? A cross-sectional study of Swedish children. *Children and Youth Services Review*, 73, 347-351.
- Chan, H. C. O., & Wong, D. S. (2017). Coping with cyberbullying victimization: An exploratory study of Chinese adolescents in Hong Kong. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 50, 71-82.
- Charalampous, K., Demetriou, C., Tricha, L., Ioannou, M., Georgiou, S., Nikiforou, M., et al. (2018). The effect of parental style on bullying and cyber bullying behaviors and the mediating role of peer attachment relationships: A longitudinal study. *Journal of Adolescence*, 64, 109-123.

- De Oliveira, W. A., da Silva, J. L., Querino, R. A., Caravita, S. C. S., & Silva, M. A. I. (2019). Family variables and bullying among brazilian adolescents: a mixed study. *Behavioral Psychology/Psicologia Conductual*, 27, 41-53.
- Del Rey, R., Lazuras, L., Casas, J. A., Barkoukis, V., Ortega-Ruiz, R., & Tsorbatzoudis, H. (2016). Does empathy predict (cyber) bullying perpetration, and how do age, gender and nationality affect this relationship?. *Learning and Individual Differences*, 45, 275-281.
- Eastman, M., Foshee, V., Ennett, S., Sotres-Alvarez, D., Reyes, H. L. M., Faris, R., & et al. (2018). Profiles of internalizing and externalizing symptoms associated with bullying victimization. *Journal of Adolescence*, 65, 101-110.
- Elliott, S. N., Hwang, Y. S., & Wang, J. (2019). Teachers' ratings of social skills and problem behaviors as concurrent predictors of students' bullying behavior. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 60, 119-126.
- Epstein, N. B., Baldwin, L. M., & Bishop, D. S. (1983). The McMaster family assessment device. *Journal of Marital and Family Therapy*, 9, 171-180.
- Eşkisü, M. (2014). The relationship between bullying, family functions, perceived social support among high school students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 159, 492-496.
- Gano-Overway, L. A. (2013). "Exploring the connections between caring and social behaviors in physical education". *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 84, 104-114.
- Gómez-Ortiz, O., Romera, E. M., & Ortega-Ruiz, R. (2016). Parenting styles and bullying. The mediating role of parental psychological aggression and physical punishment. *Child Abuse & Neglect*, 51, 132-143.
- Grant, N. J., Merrin, G. J., King, M. T., & Espelage, D. L. (2019). Examining within-person and between-person associations of family violence and peer deviance on bullying perpetration among middle school students. *Psychology of Violence*, 9, 18-27.
- Hartley, M. T., Bauman, S., Nixon, C. L., & Davis, S. (2015). Comparative study of bullying victimization among students in general and special education. *Exceptional Children*, 81, 176-193.
- Helesen, M., Vollebergh, W., & Meeus, W. (2003). Social support from parents and friends and emotional problems in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 29, 319-335.
- Hemphill, S. A., Tollit, M., Kotevski, A., & Heerde, J. A. (2015). Predictors of traditional and cyber-bullying victimization: A longitudinal study of Australian secondary school students. *Journal of Interpersonal Violence*, 30, 2567-2590.
- Hertz, M. F., Everett Jones, S., Barrios, L., David-Ferdon, C., & Holt, M. (2015). Association between bullying victimization and health risk behaviors among high school students in the United States. *Journal of School Health*, 85, 833-842.
- Hymel, S., & Swearer, S. M. (2015). Four decades of research on school bullying: An introduction. *American Psychologist*, 70, 293-308.
- Ingram, K. M., Espelage, D. L., Merrin, G. J., Valido, A., Heinhorst, J., & Joyce, M. (2019). Evaluation of a virtual reality enhanced

- bullying prevention curriculum pilot trial. *Journal of Adolescence*, 71, 72-83.
- Jantzer, V., Haffner, J., Parzer, P., Resch, F., & Kaess, M. (2015). Does parental monitoring moderate the relationship between bullying and adolescent nonsuicidal self-injury and suicidal behavior? A community-based self-report study of adolescents in Germany. *BMC Public Health*, 15, 583-595.
- Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (2011). "Is low empathy related to bullying after controlling for individual and social background variables?". *Journal of Adolescence*, 34, 59-71.
- Kowalski, R. M., & Limber, S. P. (2013). Psychological, physical, and academic correlates of cyberbullying and traditional bullying. *Journal of Adolescent Health*, 53, 13-20.
- Lee, Ch. H. (2010). Personal and interpersonal correlates of bullying behaviors among ehavi middle school students. *Interpersonal Violence*, 25, 152-176.
- MacDonald, H. Z., & Price, J. L. (2019). The role of emotion regulation in the relationship between empathy and internalizing symptoms in college students. *Mental Health & Prevention*, 13, 43-49.
- Mehrabian, A., & Epstein, N. A. (1972). A measure of emotional empathy. *Journal of Personality*, 40, 525-543.
- Miranda, R., Oriol, X., Amutio, A., & Ortúzar, H. (2019). Adolescent bullying victimization and life satisfaction: Can family and school adult support figures mitigate this effect?. *Revista de Psicodidáctica (English ed.)*, 24, 39-45.
- Misopoulou, E., & Giovazolias, T. (2013). The relationship between perceived parental bonding and bullying: The mediating role of empathy. *The European Journal of Counseling Psychology*, 2, 1-16.
- Mitsopoulou, E., & Giovazolias, T. (2015). Personality traits, empathy and bullying behavior: A meta-analytic approach. *Aggression and Violent Behavior*, 21, 61-72.
- Modin, B., Låftman, S. B. & Östberg, V. (2017). Teacher rated school ethos and student reported bullying-A multilevel study of upper secondary schools in Stockholm, Sweden. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 14, 15-65.
- Mucherah, W., Finch, H., White, T., & Thomas, K. (2018). The relationship of school climate, teacher defending and friends on students' perceptions of bullying in high school. *Journal of Adolescence*, 62, 128-139.
- Olweus, D. (1994). Annotation: Bulling at school: Basic facts and effects of a school based intervention program. *Journal of Child Psychology and Pschiatry and Allied Disciplines*, 35, 1171- 1190.
- Pfeiffer, J. P., & Piquart, M. (2014) »Bullying in German boarding schools: A pilot study. *School Psychology International*, 35, 580–591.
- Pugliese, G. V. (2014). *Social-emotional processing and bullying behavior*. In partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of the Philosophy, University of Calgary, Canada.
- Rinaldi, C. M., & Howe, N. (2011). Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Childhood Research Quarterly*, 27, 266-273.

- Rupp, S., Elliott, S. N., & Gresham, F. M. (2018). Assessing elementary students' bullying and related social behaviors: Cross-informant consistency across school and home environments. *Children and Youth Services Review, 93*, 458-466.
- Sokol, I., & Farrington, D. P. (2016). Psychological and background correlates of bullying in adolescent residential care. *Journal of Social Work, 16*, 429-452.
- Solberg, M. E., & Olweus, D. (2003). Prevalence estimation of school bullying with the Olweus bully/victim questionnaire. *Aggressive Behavior, 29*, 239-268.
- Yang, C., Sharkey, J. D., Reed, L.A., Chen, C., & Dowdy, E. (2018). Bullying victimization and student engagement in elementary, middle, and high schools: Moderating role of school climate. *School Psychology Quarterly, 33*, 54-64.